

دستور الکاتب فی تعیین المراتب

جلد اول

محمد بن ہندو شاہ النجافی (شمس نشی)

مقابلہ، تصحیح و تعلیقات

محمود طاووسی

(استاد انشاہ ترمیت مدرس)



تابستان ۱۳۹۰

سرشناسه	شمس منشی، محمد بن هندو شاه، قرن ۸ ق.
عنوان و نام پدیدآور	دستور الکاتب فی تعیین المراتب (جلد اول) / تألیف محمد بن هندو شاه النخجوانی (شمس منشی)، مقابله، تصحیح و تعلیقات و فهرستها محمود طاروسی.
مشخصات نشر	تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	خ، بیست و شش + ۲۲۸ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۰۰۶-۶
وضعیت فهرست نویسی	افیا
یادداشت	کتابخانه به صورت زیرنویس.
موضوع	نامه نگاری فارسی - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
موضوع	فن نگارش - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
موضوع	نثر فارسی - قرن ۸ ق.
موضوع	نامه های فارسی - قرن ۸ ق.
شناسه افزوده	طاروسی، محمود، ۱۳۱۶ - . مصحح.
شناسه افزوده	فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
رده بندی کنگره	۱۳۸۷: ۲۸۸۶/۶ PIR
رده بندی دیویی	۸۰۸/۶
شماره کتابشناسی ملی	۱۵۰۶۸۶۲



بنیاد
ماتن

مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»

دستور الکاتب فی تعیین المراتب (جلد اول)

محمد بن هندو شاه النخجوانی (شمس منشی)

مقابله، تصحیح و تعلیقات: محمود طاروسی

ویرایش فنی: منصور احمدی

صفحه آرا: میثم رادمهر

طراح جلد: فرزاد ادیبی

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۹۳۰۰۰ ریال

چاپخانه دیجیتال مؤسسه متن

ISBN: 978-964-232-006-6

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۲-۰۰۶-۶

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

نشانی مؤسسه: تهران - انتهای خیابان فلسطین جنوبی - خیابان لقمان ادهم - پست یوزر جمهر - شماره ۲۴ - مؤسسه تألیف، ترجمه و

نشر آثار هنری «متن». تلفن: ۶۶۴۶۸۶۹۲-۴ - دورنگار: ۶۶۹۵۱۶۶۲ - صندوق پستی: ۱۳۷۷ - ۱۳۱۴۵

پست الکترونیک: art.publishing@yahoo.com

نشانی فروشگاه مرکزی: خیابان ولی عصر - نرسیده به چهارراه طالقانی - شماره ۱۵۵۰ - ساختمان مرکزی فرهنگستان هنر. تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۰

نشانی فروشگاه شماره ۲: خیابان ولی عصر - ضلع جنوب غربی پارک ساعی - شماره ۱۱۰۱ - فرهنگستان هنر - مرکز هنرپژوهی نقش

جهان. تلفن: ۸۸۵۵۳۹۱۲-۱۲ - دورنگار: ۸۸۵۵۳۹۱۵ - صندوق پستی: ۱۵۱۱۹۱۳۴۱۱

نشانی فروشگاه اینترنتی: www.matnpublishers.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار	یازده
مقدمهٔ مصحح	سیزده
دستورالکاتب فی تعیین المراتب	۱
مقدمه: در بیان کیفیت این کتاب و شرط شروع متامل در آن	۳۳
فصل اول: در موضوع علم انشاء	۳۷
فصل دوم: در فضیلت کاتب و مقام و شرف او	۳۸
فصل سوم: در آداب کتاب و آلات ایشان	۴۷
فصل چهارم: در ذکر زمان کتابت	۴۹
فصل پنجم: در موضع کتابت	۵۰
فصل ششم: در صفت آلات و ادوات کتابت	۵۱
حکایت اول	۵۸
حکایت دوم	۶۰
حکایت سوم	۶۲
حکایت چهارم	۶۲
حکایت پنجم	۶۳
حکایت ششم	۶۴
حکایت هفتم	۶۵
حکایت هشتم	۶۶
حکایت نهم	۶۶
حکایت دهم	۶۷

۷۰	قسم اول: در مکاتبات
	مرتبه اول: در مکاتبات سلاطین و خواتین و اولاد ایشان و القاب و ادعیه که بیکدیگر نویسند و احوالی
۷۰	که بعد از القاب ذکر کنند
	ضرب اول: در القاب و ادعیه که بسلاطین و خواتین و اولاد ایشان نویسند و ذکر پادشاه کاتب که مکتوب
۷۱	منه است
۷۱	صورت اول: در القاب کی سلاطین به یکدیگر نویسند و ذکر کاتب
۷۱	نوع اول
۷۲	نوع دوم
۷۲	نوع سوم
۷۳	نوع چهارم
۷۳	نوع پنجم
۷۴	نوع ششم
۷۵	صورت دوم: در القاب خواتین خواقین
۷۵	نوع اول
۷۵	نوع دوم
۷۶	نوع سوم
۷۶	نوع چهارم
۷۶	نوع پنجم
۷۶	نوع ششم
۷۷	صورت سوم: در القاب اولاد سلاطین
۷۷	نوع اول
۷۸	نوع دوم
۷۸	نوع سوم
۷۸	نوع چهارم
۷۸	نوع پنجم
۷۹	نوع ششم
۸۰	ضرب دوم: در احوالی که بعد از القاب و دعا بسلاطین نویسند
۸۰	فصل اول: در تهنیت به جلوس سلطنت
۸۰	صورت اول: مکتوب
۸۰	نوع اول
۸۱	نوع دوم
۸۱	نوع سوم
۸۲	نوع چهارم
۸۲	صورت دوم: جواب

۸۲	 نوع اول
۸۳	 نوع دوم
۸۳	 نوع سوم
۸۴	 نوع چهارم
۸۵	 فصل دوم: در نصیحت
۸۹	 صورت اول: مکتوب
۸۹	 نوع اول: در استصحاب حکما و دانایان
۹۶	 نوع دوم: در منع ظلم و تعدی
۹۹	 نوع سوم: در اجرای وقف به شروط واقفان
۱۰۴	 نوع چهارم: در منع نزول به خانهای رعایا
۱۱۱	 نوع پنجم: در منع تعرض امرا و متغلبان رعایا دیه‌ها را
۱۱۵	 نوع ششم: در منع خربندگان و امثال ایشان از مزاحمت رعایا
۱۱۷	 نوع هفتم: در استکشاف احوال مزوران و تدبیر ایشان
۱۲۰	 نوع هشتم: در تفحص عقاید اولاد و امرا و تدبیر آن
۱۲۲	 نوع نهم: در دفع دزدان و حرامیان و راهزنان
۱۳۴	 نوع دهم: در تعیین منهیان و جاسوسان
۱۳۷	 نوع یازدهم: در تعیین جمعی کی مصالح ارباب حاجات به عرض رسانند
۱۴۱	 نوع دوازدهم: در استصحاب مشایخ
	 نوع سیزدهم: در رعایت قدهاء ملازمان سلاطین سابق از کتاب نامدار و بهادران کارزار و اجراء واجبات و
۱۵۰	 تعیین وجوهات معایش ایشان
	 نوع چهاردهم: در رعایت جانب امهات و اطوار و اقارب و جمیع ملازمان، از استادان و سادات و قضاة و ایمة و
۱۵۹	 علما و اکابر دین و ملک و امرا و جماعت متجند و لشکریان
	 نوع پانزدهم: در تعیین خزانه جهت واجبات مستحقان از ادرات و انعامات و صدقات و مراسم و معایش و
۱۶۳	 وظائف و جامگیات، تا به تمنا و موضعی دیگر محتاج نشوند
۱۶۷	 نوع شانزدهم: در منع تصرف املاک مردم به غیر حق
۱۷۲	 نوع هفدهم: در منع مکسب زر و سایر بدعت‌ها کی متغلبان احدات کرده‌اند
۱۷۶	 صورت دوم: در جواب نصایح
۱۷۶	 نوع اول: در اجابت استصحاب حکما و دانایان و به مهمات موسوم گردانیدن ایشان
۱۷۸	 نوع دوم: در اجابت منع ظلم و تعدی
۱۸۱	 نوع سوم: در اجابت اجراء اوقاف به شروط واقفان
۱۸۳	 نوع چهارم: در اجابت منع نزول به خانهای رعایا
۱۸۴	 نوع پنجم: در اجابت منع تعرض امرا و متغلبان رعایا دیه‌ها را
۱۸۵	 نوع ششم: در اجابت منع شتربانان و خربندگان و امثال ایشان از مزاحمت رعایا
۱۸۶	 نوع هفتم: در اجابت دفع مزوران

نوع هشتم: در اجابت تدبیر اولاد و امراء بعد از استکشاف از ضمایر ایشان	۱۸۷
نوع نهم: در اجابت دفع دزدان و حرامیان	۱۸۷
نوع دهم: در اجابت تعیین منهیان و جاسوسان	۱۸۹
نوع یازدهم: در اجابت تعیین جمعی که مصالح ارباب حاجات به عرض رسانند	۱۹۴
نوع دوازدهم: در اجابت استصحاب مشایخ و غیر هم	۱۹۷
نوع سیزدهم: در اجابت رعایت قدما و ملازمان سلاطین سابق، از کتاب نامدار و بهادران کارزار و اجراء واجبات و امضاء وجوه معایش ایشان	۲۰۰
نوع چهاردهم: در اجابت رعایت امهات و اظیار و اقارب و جمیع ملازمان، از استادان و سادات و قضاة و ایامه و علما و امراء و اکابر دین و ملک و جماعت متجند و لشگریان	۲۰۱
نوع پانزدهم: در اجابت تعیین خزانه جهت واجبات مستحقان تا به تمنا و موضعی دیگر محتاج نشوند	۲۰۴
نوع شانزدهم: در اجابت منع تصرف در املاک مردم به غیر حق	۲۰۵
نوع هفدهم: در اجابت منع مکسب فاحش و کیالی و غیر آن از محدثات و بدعتها	۲۰۷
فصل سوم: در فتح راه حج و فرستادن محمل	۲۰۹
صورت اول: مکتوب	۲۰۹
نوع اول	۲۰۹
نوع دوم	۲۱۰
نوع سوم	۲۱۱
صورت دوم: جواب	۲۱۲
نوع اول	۲۱۲
نوع دوم	۲۱۳
نوع سوم	۲۱۳
فصل چهارم: در تهنیت فتح مملکت و شکستن دشمنان	۲۱۵
صورت اول: مکتوب	۲۱۵
صورت دوم: جواب	۲۱۶
فصل پنجم: در اعلام عزیمت به طرفی از اطراف	۲۱۸
صورت اول: مکتوب	۲۱۸
صورت دوم: در جواب به رضا یا به منع	۲۱۹
فصل ششم: در استمداد به نفس و لشکر و مال	۲۲۲
صورت اول: در مدد دادن به نفس خود	۲۲۳
صورت دوم: در لشکر و مال فرستادن	۲۲۴
صورت سوم: در نارفتن خود و نافرستادن لشکر و مال، سه نوع	۲۲۶
فصل هفتم: در مستظهر گردانیدن شکستگان	۲۲۸

۲۲۸	 صورت اول: مکتوب
۲۳۰	 صورت دوم: جواب
۲۳۳	 فصل هشتم: در طلب دوستی و موافقت
۲۳۳	 صورت اول: مکتوب
۲۳۵	 صورت دوم: جواب
۲۳۹	 فصل نهم: در طلب وصلت و جواب
۲۳۹	 صورت اول: در طلب
۲۴۲	 صورت دوم: در جواب به رضا یا به منع
۲۴۶	 فصل دهم: در تهنیت زفاف
۲۴۶	 صورت اول: در تهنیت
۲۴۸	 صورت دوم: در جواب
۲۵۰	 فصل یازدهم: در تهنیت ولادت
۲۵۰	 صورت اول: مکتوب
۲۵۳	 صورت دوم: جواب
۲۵۶	 فصل دوازدهم: در عتاب
۲۵۶	 صورت اول: مکتوب
۲۵۹	 صورت دوم: در جواب به عتاب
۲۶۲	 فصل سیزدهم: در اعتذار
۲۶۲	 صورت اول: در اعتذار از مکارم مکتوب‌الیه
۲۶۵	 صورت دوم: در جواب، مشتمل بر اعتذار از خطا و تقصیر کاتب
۲۶۸	 فصل چهاردهم: در امان خواستن جهت مجرمان و گریختگان و امان دادن ایشان
۲۶۸	 صورت اول: در امان خواستن
۲۷۴	 صورت دوم: در امان دادن
۲۷۹	 فصل پانزدهم: در عهدنامه
۲۷۹	 صورت اول: مکتوب به التماس
۲۸۲	 صورت دوم: در جواب به قبول
۲۸۶	 فصل شانزدهم: در تهدید و جواب
۲۸۶	 صورت اول: مکتوب به تهدید
۲۹۰	 صورت دوم: در جواب هم به تهدید
۲۹۴	 فصل هفدهم: در سپارش شخصی
۲۹۴	 صورت اول: مکتوب
۲۹۵	 صورت دوم: جواب
۲۹۸	 فصل هزدهم: در تعزیت‌نامه

۳۹۸	 صورت اول: در مکتوب نوشتن به مصیبت رسیده، و متوفی یا فرزند باشد یا زن یا برادران
۳۹۸	 نوع اول: مکتوب به پدر در وفات فرزند
۳۹۹	 نوع دوم: مکتوب به شوهر در وفات زن
۳۰۱	 نوع سوم: مکتوب به برادر در وفات برادر
۲۰۲	 نوع چهارم: تعزیت بر طریق تهنیت
۳۰۵	 صورت دوم: در جواب تعزیت نامه
۳۰۸	 فصل نوزدهم: در استدعاء تردد تجار و قوافل
۳۰۸	 صورت اول: مکتوب
۳۱۰	 صورت دوم: جواب
۳۱۳	 فصل بیستم: در استدعاء حضور یکی از اعاضم و غیره
۳۱۳	 صورت اول: مکتوب
۳۱۴	 صورت دوم: در جواب به عرض یا به منع
۳۱۹	 حواشی و تعلیقات
۳۶۹	 واژه نامه
۴۰۳	 نام کسان
۴۰۸	 نام کتاب هایی که در متن آمده است
۴۰۹	 کتاب نامه

پیشگفتار

در گردهمایی مکتب شیراز (هنر، ادب، اندیشه) در سده‌های هفتم، هشتم و نهم هجری قمری که از سوی فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران برگزار شد، نگارنده نیز عضویت هیئت علمی همایش خوشنویسی مکتب شیراز را به عهده داشت. در نخستین جلسات همایش خوشنویسی، ریاست گروه خوشنویسی جناب آقای دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی پیشنهاد کردند تا کتاب *دستورالکتاب فی تعیین المراتب* اثر محمد بن هندوشاه نخجوانی معروف به «شمس منشی» که در آن نمونه‌های مکاتبات سده هشتم و نهم و پیش از آن فراهم آمده و بخشی نیز به مبحث کتابت و خوشنویسی اختصاص یافته و تاکنون در ایران معرفی و چاپ نشده (هرچند خارج از حوزه همایش مورد گفت‌وگوست) به سبب اجتنای از مطالب دست اول، در شمار کتاب‌های قابل عرضه در انتشارات این همایش قرار گیرد و نگارنده نیز تصحیح، تنقیح، ویراستاری و مقابله آن را پذیرفت. اینک افتخار دارد که با وجود کوتاهی زمان و مشکل بودن کار، بخش اول این کار عظیم را به سامان رسانیده و به دوستان کتابت و تاریخ نامه نگاری در ایران تقدیم نماید.

محمود طاووسی

۱۳۸۷/۷/۲۰

مقدمهٔ مصحح

دستورالکاتب فی تعیین المراتب

این کتاب تا آغاز قرن نوزدهم در جامعهٔ علم و ادب جهانی ناشناخته بود تا اینکه برای نخستین بار هامر پورگشتال در کتاب خود و بخش خلاصه منابع آن اثر، شرح کتاب دستورالکاتب را به طور مفصل نگاشت. وی این کتاب را چنین توصیف کرد: «همان قدر که این کتاب کمیاب است، به همان اندازه هم مهم است»^۱ او ۳۶ سند از بخش دوم کتاب را که در اثر خود مورد استفاده قرار داده بود به زبان آلمانی ترجمه کرد.^۲

به طوری که عبدالکریم علی اوغلی علی زاده در مقدمه کتاب دستورالکاتب فی تعیین المراتب که در سال ۱۹۶۴ در مسکو به چاپ رسانیده نوشته است، آشنایی با اثر محمدبن هندو شاه در روسیه فقط به وسیلهٔ رونوشتی که و.گ. تیزنگائون از دستنویس وین برداشته بود میسر می‌بود.^۳ تیزنگائون پس از رونوشت برداری از دستنویس وین، قسمتی از اختلاف قرائت ممکنه را از روی دستنویس‌های لیدن و پاریس یادداشت کرد.^۴ سپس و. ر.پ. آ. دوزی نیز شرح دستنویس لیدن دستورالکاتب را در کاتالوگ لیدن زیر شماره CCXC، با استناد به توصیف‌هایی که هامر داده بود نوشت و متذکر شد که این اثر یکی از با ارزش‌ترین گهرهای قیمتی مجموعه است.^۵

گ. فلوگل نیز در سال ۱۸۶۵ در کاتالوگی که از نسخ خطی کتابخانه شاهنشاهی وین فراهم آورد، زیر شماره ۲۲۴ ضمن ارایه آگاهی‌هایی دربارهٔ محمدبن هندو شاه نجوانی شرح کتاب دستورالکاتب را نوشته و مضمون برخی از قسمتهای این اثر را نقل کرده و اسامی فارسی آنها را

1. Hammer Purgstall, *Geschichte der Goldenen Horde in Kiptschak*, das ist: Der Mongolen in Russland, pesth, 1840, cmp. XXV.

۲. همان، ص ۸۷.

۳. علی زاده، دستورالکاتب فی تعیین المراتب، محمدبن هندو شاه نجوانی، فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان ۱۹۶۴، مقدمه، ص VII.

5. R.P.A. Dozy *Catalogus, Codicum Orientalium Bibliothecal akademial Lugduno Bataval. Volumen primum*, Lugdun, Batavorum, MD CCLI, cmp. 173.174.

آورده است.^۱

علی‌زاده می‌نویسد: به‌طوری که محمود میرآفتاب اطلاع می‌دهد، پرفسور هربرت دودا نیز قصد داشته است متن دستور الکاتب را منتشر سازد. او دستنویس‌های استانبول را در اختیار داشت که یکی از بهترین دستنویس‌های مقدور برای ماست. متأسفانه این نیت تاکنون [۱۹۶۴م] صورت عمل نگرفته است.^۲ لکن می‌دانیم که به سبب اهمیت تاریخی - اجتماعی دوره پس از ایلخانان، دستور الکاتب بسیار مورد توجه دانشمندان روسی قرار گرفت و سرانجام انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان، انجام تحقیق و پژوهش آن را به عهده علی‌زاده نهاد که وی آن را با توجه به شش دستنویس و با ذکر کامل نسخه بدل‌ها و شرح اختلافات نسخ با دقت تمام فراهم آورد و در سال ۱۹۶۴ چاپ کرد.

دستنویس‌های مورد استفاده علی‌زاده به ترتیب اهمیت عبارت بود از:

۱. دستنویس کتابخانه کوپرلی استانبول که علی‌زاده آن را در کتاب خود با حرف «أ» مشخص نموده است. این نسخه در کتابخانه مزبور با شماره ۱۲۴۱ ثبت و نگهداری می‌شده است.^۳ شرح این دستنویس به‌طوری که علی‌زاده نوشته چنین است: «این دستنویس یکی از قدیمی‌ترین، بهترین و با کیفیت‌ترین دستنویس‌هایی است که ما برای تهیه متن علمی و انتقادی این اثر در اختیار داریم. از مهرهایی که در چند جا دیده می‌شود معلوم است که دستنویس از طرف یکی از وزرای خانواده کوپرلی، ابوالعباس احمد بن ابی عبدالله محمد وقف شده است. درباره ثروت و دارایی کتابخانه وزیر احمد پاشا کوپرلی اطلاعاتی در کتب مختلف آمده است.^۴ این دستنویس به خط نسخ و به تاریخ روز دوم هفته و بیست و سوم ماه جمادی‌الآخر سال ۷۹۸ هجری مطابق با ۲۶ دسامبر ۱۳۹۶ است. رونویس‌کننده در آخر این دستنویس اطلاعات ارزشمندی مربوط به پایان یافتن اثر از طرف مؤلف آن یعنی محمد نخجوانی به دست داده است. او متذکر می‌شود که کتاب دستور الکاتب فی تعیین المراتب که مؤلف آن محمد بن هندوشاه مشهور به شمس‌المنشی است به صورت سواد (چرکنویس) در تاریخ دوم ماه رجب سال ۷۶۱ هجری برابر با ۱۹ ماه مه ۱۳۶۰ میلادی به پایان رسیده است. سپس گفته می‌شود که مؤلف تجدید نظر و تصحیح اثر خود را در شهر پایتخت تبریز در سال ۷۶۷ هجری به پایان رساند و متن کاملاً در ۲۴ رجب همان سال (۷۶۷ هجری) اتمام

1. Die Arabischen, Persischen, Turkischen Handschriften der kaiserlich - Königlichen Hofbibliothek zu wien ... Flugel, Gustav, Erster Ban, Wien 1865. cnp. 235.237.

۲. علی‌زاده، همان، ص IX.

۳. این کتابخانه که جزو موقوفات کتابخانه وزیر احمد پاشا کوپرلی بوده، اکنون از مجموعه کتابخانه‌های تحت نظر کتابخانه سلیمانیه استانبول است.

۴. شمس‌الدین سامی، قاموس الاعلام، ج ۵، اسلامبول ۱۸۶۹، ص ۸-۳۹۰۷.

یافت. سپس رونویس کننده متذکر می شود متن این دستنویس از روی نسخه ای استنساخ شده است که از روی نسخه اصلی مؤلف نوشته شده است. آخرین اطلاعات کاتب در دو جا یعنی در آخر «قسم اول» و در پایان کتاب آورده شده است که چنین است:

«... بر بندگی حضرت سلطانی اسلام اعظم و اعدل سلاطین هفت اقلیم الموصی من السماء المظفر علی الأعداء مالک ممالک الأرض خلیفه الله علی البسیطه فی الطول منها و الترض، سلطان اعظم مصنف له خلد الله سلطانه و اعلی علی الخافین شأنه و بر متاملان مبارک و میمون و خجسته همایون باد ... حرر من النسخه المنقول من اصل المصنف المولی القرحوم السعید شمس النکة و الدین محمد بن هندوشاه المشتهر بشمس المنشی تلمذ الله بغفرانه و لسکنه مجانبج جنانه رب اختم بالخیر و السعاده و الحسنی و السلم ... و در پایان کتاب: تم الكتاب بحمد الله و منه و حسن توفیقه فی یوم الاثنين ثالث عشرین جمادی الاخر سنه ثمان و تسعین و سبعمائه غفر الله لکاتبه و لصاحبه و لقاریه و لمن نظر فیه و لمن قال آمین. قال المصنف طاب ثراه تمام شد سواد کتاب فیض الهی دستور الکاتب فی تعیین المراتب بر دست مصنفش الفقیر علی الله الغنی المعنی محمد بن هندوشاه المشتهر بشمس المنشی ... در ثانی رجب مرجب عمت بر کتبه لسنه احدی و ستین و سبعمائه و تصحیح یافت در سبع و ستین و سبعمائه بدارالملک تبریز و اتمام این بیاض در بیست و چهارم رجب سال مذکور اتفاق افتاد. مبارک و میمون باد ... و این نسخه از نسخه کی منقول بود از اصل مصنف نقل کرده شد و السلم».

۲. نسخه دیگری که مورد استفاده علی زاده قرار گرفته و طبعاً در این چاپ نیز از آن بهره مند گردیده ایم دستنویس کتابخانه لیدن است که به شماره ۵۷۴ ثبت شده و علی زاده با نشانه «ب» از آن یاد کرده است. این دستنویس تاریخ ندارد و صفحات نخستین آن با خط نسخ بسیار خوب نوشته شده است لکن در صفحات بعدی، خط تغییر یافته است و با مقایسه با نسخه کوپرلی به نظر می رسد که باید از روی آن رونوشت برداری شده باشد منتهی این کار با بی دقتی انجام گرفته و عناوین بسیاری از بخش ها و نیز اشعار و جملات عربی از قلم افتاده و بسیاری از واژه ها فاقد نقطه است که این امر باعث گردیده برخی اصطلاحات و اسامی و نامهای خاص جغرافیا غیر قابل خواندن گردد. کتاب فاقد صفحه شمار است و در پایان افزوده شده که دستنویس فراهم آمده از روی نسخه اصلی استنساخ شده است و در آخر قسم اول نوشته شده: نقل من نسخه نقلت من خط المصنف رب اختم بالخیر و الحسنی. و بر روی صفحات نخستین آن یادداشت هایی پیرامون چگونگی خریداری دستنویس و تاریخ مربوطه و نام صاحب آن نوشته شده است.

۳. دستنویس موزه بریتانیا با شماره ۳۳۴۴ که علی زاده آن را با حرف و نشانه «پ» مشخص کرده است تاریخ آن چهارمین روز هفته، نهم صفر سال ۸۱۶ هجری برابر با ۱۲ ماه مه ۱۴۱۳ میلادی است. خط دستنویس آمیزه ای از نسخ و تعلیق است و کاتب آن، حسین بن مظفر بن

فخرالواعظ است که کتاب را به دستور خواجه معزالدين عبدالعزيز نگاشته است. متن کتاب با دستنویس‌های کوپرلی و لیدن و وین متفاوت است و این امر نشانگر آن است که از روی نسخه‌ای غیر از نسخه اصلی آن دستنویس‌ها نوشته شده است.

۴. دستنویس کتابخانه ملی وین که علی‌زاده با نشانه «ت» آن را مشخص ساخته، این دستنویس در تاریخ چهارمین روز هفته، نهم ماه ذی‌القعدة سال ۸۴۵ هجری برابر با ۲۲ ماه مارس ۱۴۴۲ و به خط نستعلیق و به دستور شابر بن عبدالله العمادی تهیه شده است و پایان نوشت کتاب چنین است: *تم الكتاب بعون الله تعالى وحسن توفيقه فی يوم الاربعاء التاسع من شهر ذی‌العقده سنه خمس و اربعین و ثمانمانه غفر الله لمصنفه و قاربه و کاتبه و لمن نظر فيه و لمستفاد منه و لکافه المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات ... صنفه محمد بن هندوشاه المشتهر بشمس المنشی ... کتبه العبد الفقیر الی انور الغنی شابر بن عبدالله العمادی ...* این دستنویس با دستنویس‌های کوپرلی و لیدن شباهت دارد، لکن با بی‌دقتی تحریر گردیده و تحریقات و سقط‌ها و نارسایی‌هایی دارد. ملحقات پایانی و به ویژه جملات عربی شباهت با پایان دستنویس کوپرلی دارد.

۵. دستنویس دیگر کتابخانه ملی پاریس با شماره ۴۶۳ که علی‌زاده آن را با نشانه «ث» مشخص کرده است. خط این دستنویس نستعلیق و جملات عربی و شعرها و آیات قرآنی و عناوین مطالب به خط نسخ است. این دستنویس تشابهی با دستنویس‌های بالا ندارد و فقط در بعضی حالات با سه دستنویس اول مشابه است. در تصحیح متن از این دستنویس فراوان سود برده شده است. علی‌زاده نوشته است تاریخ تحریر این دستنویس احتیاج به تدقیق دارد.

۶. نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس با شماره ۱۳۷۸ که علی‌زاده آن را با نشانه «ج» مشخص کرده، نسخه‌ای ناقص است و بسیاری از صفحات آغازی و انتهایی و اوراقی نیز از اواسط آن افتاده است. از لحاظ متن و مطالب مشابه دستنویس موزه بریتانیاست، خط آن نستعلیق و عناوین و بخش‌ها و متون عربی به خط نسخ است و به سبب افتادگی صفحات پایانی نام کاتب و تاریخ تحریر آن مشخص نیست.^۱

دستور الکاتب در ایوان

چنان‌که در آغاز مقال گفته شد، این کتاب متأسفانه در ایران چندان شناخته شده نیست و تنها تنی چند از پژوهندگان نسل پیشین اشاراتی به آن داشته‌اند. نخستین بار روانشاد ابن‌یوسف در فهرست

کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار جلد ۲ ص ۲۲، نسخه موجود در آن کتابخانه را که به شماره ۲۷۷۳ ثبت شده ضمن شرحی کامل از محتوای کتاب و اینکه مؤلف کتاب محمد بن هندوشاه است به نقل از مقدمه کتاب آورده است: «در ایام سلطنت سلطان ابوسعید صاحب سعید شهید، خواجه غیاث‌الدین محمد رشیدی و دیگر ارکان دولت و اعیان حضرت، حکم یرلیغ به تصنیف چنین کتابی رسانیدند، بواسطه کثرت اشتغال و تعاقب موانع میسر نشد و تقدیر ازلی این بود که این کتاب به القاب همایون پادشاه اسلام (مراد شاه اويس است) مطرز و موشح شود.»^۱

و پس از مرحوم ابن یوسف، عباس اقبال در کتاب ارزشمند تاریخ معول زیر عنوان نویسندگان و مورخین سالیهای حکومت آل جلائیر، ضمن شرح حال هندوشاه نخجوانی (پدر مؤلف) از شمس منشی فرزند هندوشاه و کتاب دستورالکاتب فی تعیین المراتب یاد کرده است.^۲ و نگارنده پس از جست‌وجوی فراوان در ایران، جز همین نسخه به دستنویس دیگری از این کتاب دست نیافت و سی‌دی نسخه مزبور به وسیله دوست هنرمندم جناب آقای شکراللهی از کتابخانه مزبور اخذ و در کنار شش نسخه‌ای که قبلاً معرفی شده اساس کار تصحیح و مقابله قرار گرفت. و از آن با نشانه «سپه» در تصحیح متن استفاده شد.

دستنویس سپه: این دستنویس چنان‌که اشاره شد به شماره ۲۷۷۳ و شماره ردیف ۱۱۱۶ با عنوان دستورالکاتب، مؤلف محمد بن هندوشاه (تعداد فریم میکروفیلم ۴۶۸ که در تاریخ ۷-۸۴ اسکن و سی‌دی آن تهیه شده) می‌باشد.

مشخصات آن، جلد چرمی قهوه‌ای ضربی به اندازه ۲۸×۳۷ سانتیمتر است. تعداد اوراق آن چنان‌که در صفحات اولیه پیش از آغاز کتاب یادداشت شده ۲۲۸ ورق است. برگ اول کتاب از سمت چپ و صالی شده و مقداری از چهار سطر اول کتاب (سمت چپ) از بین رفته است و روی برگ و صالی با خط شکسته نستعلیق بسیار خوش نوشته شده: کتاب دستورالکاتب داخل کتابخانه نواب مستطاب فلک جناب اشرف والا شاهزاده اعظم افخم علیقلی میرزا دام اجلاله گردید به تاریخ شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۷۱ و مهر چهارگوش علیقلی بر آن خورده است و در پایین همان صفحه نیز نوشته شده: این یک مجلد کتاب دستورالکاتب در یوم جمعه شهر ذی‌حجه الحرام سنه ۱۲۹۷ در عداد کتب موقوفه مسجد و مدرسه ناصری معدود و به کتابخانه مدرسه مزبور داخل گردید و صیغه وقف آن مطابق شروح و شروط مندرجه در وقفنامه مسجد و مدرسه جاری شد ۱۲۹۷ و در

۱. معین، محمد. چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی، کتاب فروشی زوار، چاپ سوم، تهران ۱۳۳۳، ص ۴۹ و یک (مقدمه).

۲. آشتیانی، عباس اقبال. تاریخ معول، ج اول، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران ۲۵۳۶، ص ۵۲۶.

سمت چپ این نوشته مهر موقوفه بودن کتاب و سمت راست مهری دیگری به شکل چهارگوش زده شده است.

خط کتاب در صفحات آغازی نستعلیق معمولی و سپس کاتب و خط چندین بار تغییر کرده است. عناوین اشعار و مطالب با قلم درشت‌تر و به نسخ عالی نوشته شده و فهرست مطالب کتاب که از صفحه ۷ آغاز می‌شود ۹ صفحه را دربر می‌گیرد. کتاب صفحه‌شمار ندارد و نشان می‌دهد که اوراق درهم و برهم بوده و کسی که آن را مرتب کرده از روی بی‌حوصلگی این کار را انجام داده و سپس به همان شکل با ماشین نمره‌زنی شماره‌گذاری و صحافی شده است. فی‌المثل بعد از صفحه ۱۳ (که با ماشین نمره‌زنی نمره‌گذاری شده) یکباره چنان آشفتنگی دیده می‌شود که مثلاً صفحه ۱۳ باید ۱۵ باشد و ۲۰ باید ۱۶ و ۳۱۴ صفحه ۱۸ حقیقی و ۳۱۵ برابر ۱۹ واقعی و ۳۲۲ مساوی ۲۶ می‌باشد. که نظم دادن به آن برای مقابله با سایر نسخ روزها و ساعات فراوانی را به خود اختصاص داد از اواسط کتاب، خط عوض شده و با قلمی دیگر و باز دوباره کاتب تغییر کرده و خطی دیگر جانشین خطوط اولیه شده است.

هر صفحه دربر دارنده ۱۵ سطر می‌باشد. برخی جاهای کتاب عناوین و اشعار و گاهی جملات عربی با قلم قرمز نگارش یافته است. پایان کتاب و نیز برخی صفحات و اوراق آن ساقط شده که در ضمن مقایسه و ارایه اختلافات نسخ، به این افتادگی‌ها اشاره گردیده است.

آنچه که از این نسخه و با ملاحظه اختلافات سایر دستنویس‌ها برمی‌آید این است که این دستنویس رونوشتی از دستنویس وین یا دستنویس وین نسخه‌برداری از این نسخه است. برای ارایه اختلافات این نسخه آن را با نشانه «س» منظور نموده‌ایم.

محتوای کتاب دستور الکاتب و علت نام‌گذاری آن

چنان‌که از نام کتاب برمی‌آید و نیز کل کتاب خود می‌نماید، موضوع آن در چگونگی نامه‌نگاری و شیوه نوشتن و نمونه مکاتباتی است که در عصر مؤلف رواج داشته و ظاهراً برای آن نگاشته شده تا دبیران و نویسندگان نامه‌های دولتی و غیردولتی، نمونه‌هایی در هر زمینه داشته باشند و بتوانند با توجه به این نمونه‌ها، نامه‌های مربوط به هر موضوع را به نگارش درآورند. لکن این ظاهر قضیه است و مؤلف در آن روزگاری که می‌زیسته در جامعه این مکاتبات، اعتراض عمیق خود را نسبت به تحرکات و ناسامانی‌هایی که در جامعه وجود داشته و تبعیض‌ها و اجحافات که مأموران دولتی می‌کرده‌اند بیان داشته و نحوه رفتار آنان را با مردم ستم‌دیده، به گوش شاه و بزرگان رسانیده و نیز اوضاع آشفته و درهم و برهم اجتماعی را در نوشته خود منعکس کرده و در ضمن آنها، طریقی برای رفع این مشکلات هم ارایه نموده است.

این کتاب در دوره فترت بین پایان حکومت ایلخانان و حمله و حکومت تیمور و تیموریان نوشته شده، دوره‌ای که حد فاصل بین قدرتمندی جانشینان چنگیز و آغاز ستمگری و سپس حکومت خاندان تیموری است؛ در این دوره هر گوشه از این کشور تحت سلطنت شاهک‌هایی که بازماندگان و اخلاف چنگیز بودند اداره می‌شد و هر از چندگاهی برای توسعه قلمرو خود با یکدیگر می‌جنگیدند و دود آتش جنگ آنان بود که به چشم مردم بیچاره این کشور می‌رفت و می‌بایست هزینه‌های سرسام‌آور آن را تحمل کنند.

مؤلف کتاب در این دوره وافته‌اش، در منطقه شمال غربی ایران و در حیطه حکومتی امرای ایلکانی یا آل‌جلایر می‌زیست. اولین امیر این سلسله امیر شیخ حسن بزرگ، فرزند امیر حسین بن آقبوقا بود. پدر امیر شیخ حسین، آقبوقا ایلکانویان، همسر دختر ارغون خان بود و از قبیله جلایر. او یکی از سردارانی بود که به معیت هولاکو به مأموریت به ایران آمد و اینکه این سلسله را ایلکانیان و آل‌جلایر می‌خوانند به همین مناسبت است.^۱ امیر شیخ حسن از سال ۷۴۰ تا ۷۵۷ به مدت ۱۷ سال سلطنت کرد، و مقر حکومت و سلطنت وی، عراق عرب بود، زوجه توانای او دلشاد خاتون، با تدبیر سرزمین او را اداره می‌کرد تا اینکه سرانجام در سال ۷۵۷ فوت کرد. پس از او پسرش معزالدین اویس که در سال ۷۳۹ از دلشاد خاتون زاده شده بود و بیش از ۱۹ سال نداشت جانشین پدر شد؛ این شاه جوان، بعد از پدر از مشهورترین امرای جلایری است. او توانست آذربایجان و تبریز را در سال ۷۵۹ از تصرف اخعی جوق نایب بردی بیک اوزبک خوار و آنجا را پایتخت خود سازد. وی فردی شعر دوست و ادیب و تربیت یافته بود و مدت‌ها شاگردی و همنشینی سلمان ساوجی کرده بود از این رو به شعرا و دانشمندان علاقه‌مند بود و محمد بن هندوشاه مؤلف کتاب، یکی از دیران دستگاه او و مورد اعتماد وی بود. همین پادشاه بود که نویسنده ما، کتاب خود، دستورالکاتب را برای وی نوشت و به او تقدیم داشت و در ضمن بحث و ارایه نمونه‌های مکاتبات، سخنان آموزنده‌ای را به آن پادشاه القا کرد به طوری که از اقدامات اویس بر می‌آید او بسیار تحت تأثیر این سخنان و آموزه‌ها بوده است.

جانشینان معزالدین اویس تا سال ۸۳۶ در بخش‌هایی از ایران سلطنت کردند تا اینکه سرانجام آخرین امیر این خاندان، سلطان حسین بن علاءالدوله بن سلطان احمد در سال ۸۳۶ به دست امیر اصفهان، پسر قرا یوسف ترکمان کشته شد و سلسله جلایری بدین شکل اضمحلال یافت. ابواب کتاب براساس آنچه که مؤلف انجام داده است:

مقدمه، دو قسم و خاتمه

۱. مقدمه در بیان کیفیت این کتاب و شرط شروع متأمل در آن؛ شامل این موارد است:

مقدمه با «بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و عليه تنوكل» آغاز و با تحمید ذات باری تعالی و پیامبر اعظم آغاز و پس از توصیف شیخ اویس بهادرخان و علت و چگونگی تألیف کتاب، به موضوع تعریف علم انشا می‌پردازد و سپس: در فضیلت کاتب و مقام و شرف او، آن‌گاه در آداب کتاب و آلات ایشان. و پس از آن: در ذکر زمان کتابت، و بخش بعدی: در موضع کتابت و به دنبال آن: در صفت آلات و ادوات کتابت نظماً و نثراً در وصف قلم، این بخش‌های مقدمه، یکی از بهترین منابعی است که به این موضوعات پرداخته‌اند.

۲. قسم اول: در مکاتبات و آن مشتمل است بر چهار مرتبه: مرتبه اول در مکاتبات سلاطین که به یکدیگر نویسند ... مشتمل بر دو ضرب، ضرب اول در القاب و ادعیه سلاطین و ... مشتمل بر سه صورت. صورت اول در القاب و ادعیه سلاطین ... صورت دوم در القاب و ادعیه خوانین. صورت سوم در القاب و ادعیه اولاد سلاطین. ضرب دوم در ذکر احوالی کی بعد از القاب و ادعیه به سلاطین نویسند. شامل بر بیست فصل مرتبه دوم: در مکاتبات امرای الوس و وزرا و ... مشتمل بر دو ضرب. ضرب اول در القاب و ادعیه و طوایف مذکوره مشتمل بر بیست و شش فصل. ضرب دوم در احوالی که این طوایف به یکدیگر نویسند ... مشتمل بر شانزده فصل، مرتبه سوم در مکاتبات اشراف الناس از علما و حکما و مدرسان و ... در دو صنف: صنف اول در القاب و ادعیه و مکاتبات اشراف الناس مشتمل بر سی و هشت فصل. مضمونات: این صنف منحصرست در هفت فصل. صنف دوم در خطاب اوساط الناس ... در دوازده فصل. مرتبه چهارم: در مکاتبات مشترکه میان سلاطین و امرا و وزرا ... مشتمل بر بیست فصل.

۳. قسم دوم: در احکام دیوانی و تفویض اعمال به امرا و ... مشتمل بر دو باب. باب اول در تفویض اعمال و اشغال به امرا، ... مشتمل بر سه ضرب ضرب اول: در تفویض اعمال و مناصب ... مشتمل بر دوازده فصل. ضرب دوم مشتمل بر بیست و چهار فصل. ضرب سوم ... مشتمل بر بیست فصل. باب دوم: در احکام مختلفه مشتمل بر دو ضرب ضرب اول در احسان و رعایت، در شانزده فصل. ضرب دوم: در تهدید مجرمان و ... در شش فصل.

۴. خاتمه: در وصیت و شرطی چند که مصنف را با متأملان این کتابست و ذکر التزامات و بیان خواص این کتاب و غیر آن.

البته نوشتن کتابی در این زمینه از پیش از اسلام در ایران سابقه داشته است. کهن‌ترین متنی که در این زمینه می‌شناسیم متن پهلوی با نام در آیین نامه‌نویسی است که جزو متون پهلوی جاماسب، جی، جاماسب آسانا در بمبئی به چاپ رسیده است.^۱

1. *Pahlavi Texts*, Edited by: Jamasp Ji Dastur Minocher Ji Jamasp. Asana, Bombay, 1913. p. 132.

این کتاب با مقدمه‌ای از استاد ماهیار نوایی، از سوی بنیاد فرهنگ ایران به چاپ رسیده است. و نام پهلوی اثر مورد اشاره *abar ewēnag, l nāmag nibēsišnīh* می‌باشد.

پس از اسلام نیز کتاب‌هایی پیش از دستورالکاتب در زمینه نامه‌نگاری نوشته شده که عبارتند از:

۱. کتاب چهار مقاله یا مجمع النوادر اثر نظامی عروضی، که مقاله اول آن در ماهیت دبیری و کیفیت دبیر کامل است و نویسنده دستورالکاتب به این مقاله توجه داشته و ده داستان مندرج در آن را در کتاب خود آورده است. این کتاب در تاریخ ۵۲-۵۵۱ هجری قمری نوشته شده است.

۲. عتبه الکتابه، که مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر سلجوقی است و شامل ۶۴ نامه به قلم متعجب‌الدین بدیع جویی، منشی و دبیر نامدار سلاجقه است که این نامه‌ها را در حدود سالهای ۵۲۸ تا ۵۴۸ نوشته و ترتیب داده و تدوین نموده است ... که قرن‌ها مورد تقلید دبیران و منشیان بوده است.

۳. نامه‌های رشیدالدین و طواط: مجموعه منشآت و مکاتیب دیوانی و اخوانی امام رشیدالدین محمد و طواط، شاعر، نویسنده و عالم بزرگ قرن ششم و دبیر اتسز وایل ارسلان خوارزمشاه است.

۴. التوسل الی الترسل: مجموعه منشآت منشی بزرگ سلطان تکش خوارزمشاه، بهاءالدین محمد بغدادی است که در حدود دهه هشتم قرن ششم هجری آن نامه‌ها را اعم از سلطانیات و اخوانیات تنظیم کرده است ... و پیرو رشیدالدین و طواط منشی برجسته قبل از خود بوده است.

۵. منشآت خاقانی: مجموعه‌ای از نامه‌های افضل‌الدین بدیع بن علی خاقانی شروانی، شاعر بزرگ ایران در نیمه دوم قرن ششم است. روی سخن خاقانی در این نامه‌ها به خویشان و نزدیکان، صدور، بزرگان، امیران و شهریاران روزگار است ...

۶. روضه الکتاب و حدیقه الالباب: اثری است از قرن هفتم که ابوبکر بن زکی متطبب قونوی ملقب به صدر از منشیان بلیغ آسیای صغیر، آن را به سال ۶۷۷ هجری نوشته است. کتاب مجموعه‌ای از نامه‌های اخوانی است به شیوه مترسلان و با نثر مصنوع^۱.

البته باید توجه داشت که دستورالکاتب نیز در روزگاری نوشته شده که نثر مصنوع رواج داشته و عمده قصد نویسنده از تصنیف چنین کتابی افزون بر ارایه نمونه نامه‌ها با توجه به آثاری چون سیاستنامه خواجه نظام‌الملک و جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی نگاشته شده، بیشتر انعکاس

۱. مدبری، محمود، فرهنگ لغات نثرهای فنی و مصنوع، انتشارات خدمات فرهنگی کرمان، چ اول، ۱۳۷۶، ص ۵۰ تا

«نظر» مؤلف درباره سازمان و اداره دولتی، وضع اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشور ... در نتیجه برقراری حاکمیت فئودال‌های کوچ‌نشین و بازماندگان ایلخانان و شاهک‌های مناطق چندگانه ایران بوده است. منتهی با انشاء و واژگانی که مرسوم آن زمان و شاید هم به پیروی از کتاب‌های مذکور در بالا و به شیوه مترسلان پیش از خود.

سبک نوشتاری کتاب

کتاب دستور الکاتب را قطعاً باید از آثار بازمانده نثرهای مصنوع دانست. زیرا نویسنده این اثر گرایش فراوانی به تصنع و تکلف و کاربرد واژگان و جملات و اشعار عربی دارد به‌طوری که شاید بدون اغراق بتوان گفت، بیش از شصت درصد واژگان به کار رفته در این کتاب تازی و آن هم واژگانی بسیار کم کاربرد و یا ساخت واژگان از باب مصدرهایی که حتی در عربی هم کمتر به کار رفته است. افزون بر آنکه بسیاری الفاظ و اصطلاحات ترکی - مغولی نیز در کنار آن واژه‌ها در نوشتار او درج شده، از جمله چون مرادف بسیار، القاب و نعمت‌ها و صفت‌های پیاپی و نیز عبارات و جملات معترضه و خواهد و مثالی‌های عربی و شعرهای شاعران عرب بسیار استفاده شده است، و گه‌گاه به شعرهایی از شاعران پارسی‌گوی و نقل و یا درج آیات قرآنی و احادیث و نیز، درج داستان‌هایی از پادشاهان گذشته و ذکر یکی‌های آنان و اینکه چرا نام آن پادشاهان به خوبی یاد می‌گردد، برای تأیید اثبات گفته‌های خود به عنوان شاهد مثال استناد می‌کند.

اما در کنار این مطالب، هر جا سخنی آورده و یا استنادی کرده اغلب نام گوینده یا صاحب حدیث و یا داستان و مأخذ را نیز ذکر کرده و از این جهت رعایت امانت را نموده است. اما در مورد اشعار و ابیات فارسی و عربی چنین کاری صورت نگرفته است. در آوردن واژگان مسجع و موازنه و مزدوج و مترادفات نیز سعی فراوان داشته، که اگر بخواهیم شاهد مثال در هر مورد بیاوریم باید همه کتاب را شاهد بگیریم اما خواننده آگاه ضمن مطالعه، تمام مواردی را که اشاره شد در کتاب ملاحظه خواهد نمود.

دقت در مطالب و شیوه نگارش، نشان‌دهنده تسلط محمدبن هندوشاه به لغت و ادبیات عرب و نیز آگاهی کامل و تسلط او به زبان و ادبیات دیرینه فارسی و نیز وسعت مطالعه و آگاهی وی به ادبیات ایران پس از اسلام و شناخت دانشمندان و مفاخر و شاعران فارسی‌گوی ایرانی و نیز نویسندگان و گویندگان عرب است.

از همه اینها مهم‌تر اینکه او در ارایه نمونه نامه‌ها که «مضمون عمده کتاب را شامل است، نظریات اصلاحی، که در اثر نظام‌الملک و یرلیغ‌های غازان خان (متعلق به [خواجه] رشیدالدین)

شرح داده شده، در اثر محمد نخجوانی نیز انعکاس یافته است؛ نظر او درباره سازمان و ادارات دولتی، وضع اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشور تقریباً در سطح نظریات خواجه نظام‌الملک، رشیدالدین و پسرش غیاث‌الدین و همچنین نویسنده *وصاف‌الخضره*، حمدالله قزوینی و دیگر مردان مرفعی دولتی خاور زمین بوده است.^۱

محمد بن هندوشاه نخجوانی

چنان‌که پیداست نام مؤلف محمد، و فرزند هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی کیرنی، ملقب به فخرالدین از دانشمندان و نویسندگان و مورخان و مترجمان جامع‌الاطراف و توانای نیمه دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم و متوفی به سال ۷۳۰ ق بوده که شعر را هم نیکو می‌سروده است.^۲ وی از منشیان عهد صاحب دیوان شمس‌الدین جوینی و آباقاخان و ایلخانان بعد از اوست و به همراه برادرش، امیر سیف‌الدین محمود، در ایام وزارت صاحب دیوان مشاغلی اداری نیز داشته‌اند، از آن جمله هندوشاه در سال ۶۷۴ به نیابت از طرف برادر خود حکومت کاشان را عهده‌دار بوده ... کتاب معروف *منیه الفضلاء فی تواریخ الخلفاء و الوزراء*، یعنی کتاب *الفخری* تألیف ابن‌الطقطقی را به فارسی ترجمه کرده و مطالب بسیار دیگر نیز از سایر کتب اقتباس کرده و بر آن افزوده و کتاب *تجارب السلف* را در ۷۲۴ ... تألیف کرده^۳ و نیز کتاب *صالح‌العجم* را که فرهنگی است فارسی به ترکی و بدون شاهد شعری تألیف نموده است.^۴

محمد، فرزند چنین خانواده‌ای بود و تحت تربیت و تعلیم پدری دانشمند و ادیب رشد کرد. سال تولدش معلوم نیست، لکن دکتر صفا با توجه به این نکته که مؤلف، *دستورالکاتب* را در سال ۷۶۱ ق تمام کرده و نسخه مصحح آن را در سال ۷۶۷ ق (= ۱۳۸۵ میلادی) از سواد به بیاض آورده و به سلطان اویس تقدیم داشته و خود در کتاب به صراحت گفته که این کتاب را در سن پیری که هنگام انزوا و انقطاعست و قوی در انحطاط آمده و ضعف استیلا یافته ... و مدت عمر به هفتاد و سه سال رسیده تصنیف کرد.^۵ پس ولادتش باید به سال ۶۸۴ هجری اتفاق افتاده باشد.^۶

۱. علی‌زاده، *دستورالکاتب*، مقدمه ص XII.

۲. بیگدلی، غلامحسین، *صالح‌العجم*، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۶۱، ص ۵.

۳. آشتیانی، عباس اقبال، *تاریخ متون*، ص ۵۲۶.

۴. بیگدلی، همان، ص ۱۱.

۵. *دستورالکاتب*، همین چاپ، ص ۱۳.

۶. صفا، ذبیح‌الله، *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد سوم، بخش ۲، انتشارات فردوسی، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۳۰۰.

او چون پدر از دوره جوانی، مردی آگاه به فنون ادب و ترسل بوده هر چند میلی به حضور در دربار شاهان نداشته «... این دولتمخواه از عنفوان شباب الی یومنا هذا هرگز مؤثر ملازمت هیچ یک از سلاطین و امرا و وزرا نشده است، بلکه ایشان به مبالغت تمام او را از بقاع و بلاد طلبیده به تقلید دیوان انشا که متعین او را دانسته امر فرموده‌اند و این ضعیف شاء أم ابی مباشر گشته ...^۱» و سرانجام به دربار سلطان ابوسعید راه یافته و در آنجا، خواجه غیاث الدین محمد رشیدی فرزند خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و دیگران او را به تصنیف چنین کتابی دعوت کرده‌اند و به قول خودش «در کثرت اشتغال و تعاقب موانع میسر نشد، چه تقدیر ازلی و حکم لم یزلی چنان بود که ... در محل ولایت عهد ... سلطان سعید ابوسعید (سلطان اویس) ... این کتاب ... به القاب همایونش مطرز و موشح شود ...^۲» و بدین گونه دغدغه تألیف کتابی که اندیشه نگارش آن سال‌ها پیش در وجود مؤلف بوده در پایان عمر و در دوره سلطنت سلطان اویس صورت تحقق یافته و به وی تقدیم شده است.

شمس منشی غیر از دستور الکاتب به پیروی از پدر، کتاب لغتی نیز به نام صحاح الفرس نگاشته و چنان‌که خود در دیباچه آن آورده «... همچنان که صحاح اللغة مشتمل است بر توضیح لغات قبایل عرب، این کتاب نیز مشتمل است بر توضیح لغات طوایف فرس ...^۳»

چگونگی تصحیح و مقابله کتاب

چنان‌که ضمن مطالب بالا گفته شد نخستین بار علی‌زاده از سوی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان مأمور مقابله و تصحیح دستور الکاتب می‌شود و وی با توجه به شش دستنویس، این کار را انجام می‌دهد و آن را در سال ۱۹۶۶ به چاپ می‌رساند. نگارنده افزون بر آن نسخه چاپی که با توجه به شش دستنویس تنظیم شده بود، نسخه هفتمی که در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق) نگهداری می‌شود را فراهم آورده و از نو شروع به مقابله و تصحیح متن نمود؛ شایان یادآوری است که علی‌زاده به سبب عدم آشنایی کافی با ادبیات عرب، بسیاری از واژه‌ها و اشعار و امثال و جملات عربی را نادرست در متن آورده بود که همه تصحیح گردید و جملات عربی مشکل اعراب‌گذاری شد تا خواننده بتواند آن را درست بخواند. افزون بر آن در پایان کتاب همه جملات عربی، ترجمه گردید؛ ترتیب کار نیز چنین است که از صفحه اول آغاز شد و تا پایان با ارایه شماره هر صفحه و سطر، ترجمه جملات و شعرهای

۱. دستور الکاتب (همین چاپ)، ص ۱۳.

۲. همان، ص ۱۴۸.

۳. محمد بن هندو شاه، صحاح الفرس. به اهتمام عبدالعلی طاعتی. تهران، دیباچه، ص ۱۱ (به نقل از دکتر بیگدلی، مقدمه صحاح العجم، ص ۱۰).

عربی آورده شده و بجز آن، واژه‌نامه‌ای مختصر برای معنی تعدادی واژگان مشکل با ارجاع به صفحات واژگان و با توجه به فرهنگهای معتبر ترتیب داده شد؛ فهرست اسامی اشخاص و کتاب‌ها نیز تهیه و ضمیمه ملحقات پایان کتاب گردید.

قابل توجه است که سعی گردید تا نحوه نگارش اصل کتاب هرچه کمتر تغییر داده شود تا خواننده محترم به نحوه نگارش مؤلف آشنایی یابد و با ویژگیهایی که مؤلف در نوشتن داشته آشنا گردد. ویژگیهای نگارشی و تغییراتی که در تصحیح صورت گرفته:

۱. حذف «الف» کلمه «است» در افعال ماضی نقلی یعنی مثلاً در کتاب: بوده است به شکل بودست و نوشته است: نوشتست و غیره که عیناً این رسم الخط حفظ گردید.

۲. واژگان مختوم به مصوت بلند «آ» در حالت اضافی با همزه ارتباط مضاف و مضاف‌الیه برقرار گردیده که عیناً همان رسم الخط آورده شد، تنها برخی جای‌ها به جای همزه، حرف «یاء» آورده شده که درست این است و در بسیاری موارد هم بدون همزه و یا یاء این عمل صورت پذیرفته است که این موارد را، راقم با افزایش یاء در داخل دو قلاب []، ارتباط صفت و موصوف یا مضاف و مضاف‌الیه را برقرار ساخته است.

۳. مؤلف حرف اضافه «به» را همه جا به اسم جیبانده بود که برای درست خواننده شدن متن، این حروف اضافه از اسم جدا گردیده و ضمناً همزه‌های پس از «الف» که به حرف «ت» می‌چسبد و ما امروز به شکل «نت» می‌نویسیم، مؤلف به صورت «ت» آورده که آنها را به صورت امروزی نوشتیم مانند واژه «برانت» که در کتاب به صورت «براءت» آمده و چند واژه دیگر.

۴. اگر مصحح تشخیص داده که واژه به کار رفته در متن چاهی علی‌زاده نادرست بوده ضمن آوردن صورت صحیح واژه از نسخه بدلها، به این موضوع اشاره کرده است.

۵. حتی کوچک‌ترین اختلاف بین دستنویس‌ها، چه از نظر واژگان و چه حذف و اضافات در زیرنویس معین شده است.

۶. برای نشانی نسخه بدلها و دستنویس‌های هفتگانه، حرف اول هر دستنویس آورده شده است. بدین ترتیب که دستنویس‌های معتبرتر در آغاز و دستنویس سپهسالار که یافته جدید است در پایان قرار گرفته. دستنویس «کوپرلی» با نشانه : ک. دستنویس لیدن: ل. دستنویس بریتانیا: ب. دستنویس وین: و. دستنویس‌های پاریس با: پ ۱ و پ ۲. دستنویس کتابخانه شهید مطهری (سپهسالار) با: س، مشخص گردیده است.

۷. جملات و اشعار عربی با حروف معمول عربی و معرب آورده شده است.
۸. واژگانی که در یکی دو دستنویس فاقد نقطه بوده، چون در تایپ امکان بدون نقطه بودن وجود نداشته، شکل واژه به درستی تایپ و سپس افزوده شده است: بدون نقطه.
۹. چنان که می‌دانیم در دستنوشته‌های کهن، حد و مرز جملات مشخص نیست و برای آسان‌تر خوانده شدن متن، پایان جملات با نقطه و هر موضع که نیاز بوده با ویرگول و افزودن زیر و زیر واژگان آورده شده است.
۱۰. و در پایان اینکه انجام این مهم با فرصت کم برای اینجانب به تنهایی ممکن نبود و در این راستا دوست و همکار عزیزم جناب آقای یاسین راشدی کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی از چندین جهت که عبارت بود از معرب کردن جملات و اشعار عربی و با توجه به متون کهن ترجمه درست آنها و نیز مقابله تصحیح نمونه‌های چاپی و تهیه فهرس کتاب همراهی جدی و پا به پای اینجانب با دقت و وسواس همکاری داشته‌اند که در اینجا صمیمانه از ایشان سپاسگزاری می‌نماید.
۱۱. برخی جملات عربی برای ما بسیار مبهم و نامفهوم بود که دوستان دانشمند، جنابان آقایان، دکتر آینه‌وند، دکتر حسینی و دکتر آرمند یاری نمودند که با نهایت احترام از یکایک آنان سپاسگزاری می‌نماید.
۱۲. و خلاصه اینکه خود معترفم که مسلماً این کار دارای نواقص و نارسایی‌هایی می‌باشد که این نارسایی‌ها را خواننده باید از عدم آگاهی اینجانب بداند و چنانچه آنها را گوشزد نمایند در چاپهای بعدی تصحیحات به نام آن عزیزان در کتاب اعمال خواهد شد. و در نهایت اینکه حروفچینی و تایپ پاکیزه کتاب مرهون زحمات و دقت بی‌نظیر سرکار خانم فرشته نجفی است که صمیمانه از زحمات ایشان قدردانی می‌نمایم.